



# خصوصیات روحی و ویژگیهای رفتاری پیامبران در راه تبلیغ

آیت‌الله جعفر سبحانی



## اشاره

در دو قسمت پیشین این مقاله، هفت ویژگی روحی و رفتاری پیامبران در راه تبلیغ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آن هفت ویژگی عبارت بودند از: «صبر و استقامت در برابر مشکلات»، «صراحت و قاطعیت»، «سازش ناپذیری در اصول»، «توکل بر خداوند»، «تبلیغ رسالت برای خدا»، «خیرخواهی و دلسوزی» و «استفاده از ابزارهای صحیح». در اینجا بخش پایانی بحث تقدیم می‌گردد.

## ۸ یادآوری نعمتهای الهی

یکی از ویژگیهای پیامبران در

دعوت به راه توحید و پرستش خدا و دوری از پرستش غیر او، یادآوری نعمتهایی است که خدا در اختیار بشر نهاده است؛ زیرا پرستش از آن کسی است که وجود و حیات و زندگی انسان از جانب اوست و چون حیات انسان در گرو نعمتهایی است که خدا به او ارزانی داشته است، طبعاً پرستش نیز از آن اوست و در این مورد، پیامبران مانند: هود و صالح علیهم‌السلام تذکراتی دارند که قرآن یادآور شده است.

هود علیه‌السلام به قوم خود می‌گوید:

۱. برگرفته از منشور جاوید قرآن، آیه الله جعفر سبحانی، ج ۱۰، صص ۳۶۱-۳۷۰.

﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>  
 «نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید  
 رستگار شوید!» و باز می فرماید: ﴿وَأَتَقُوا  
 الَّذِي آمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ \* أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ  
 وَبَنِينَ وَجَنَاتٍ وَعَيْبُونَ﴾<sup>۲</sup> «از [مخالفت با]  
 خدایی بهره‌یزید که شما را به آنچه که  
 می دانید مدد داده است و شماها را به  
 وسیله مال و فرزند و باغها و چشمه‌ها  
 کمک کرده است.»

و صالح علیه السلام پس از آنکه برهان  
 نبوت خود (ناقه) را به مردم نشان داد،  
 نعمتهای الهی را به آنان خاطر نشان  
 کرد و فرمود: ﴿وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ  
 مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ  
 سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا  
 آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَغْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾<sup>۳</sup> «به  
 یاد آورید آن زمان را که شما را جانشین  
 قوم عاد کرد و در زمین جای داد. در  
 سرزمینهای هموار آن، کاخها  
 می سازید و از کوهها برای خود منزل  
 می سازید. پس نعمتهای خدا را به یاد  
 آورید و در زمین فساد نکنید!»

یادآوری نعمتهای الهی یکی از  
 اهرمهای تبلیغی پیامبران بود که در دو  
 مرحله بر آن تکیه می کردند: ۱. مرحله

قبل از گرویدن مردم به آنان؛ ۲. مرحله  
 پس از گرایش و ایمان مردم؛ زیرا پس  
 از ایمان، استواری و پابرجایی در مسیر  
 ایمان، همچنان نیاز به تبلیغ و توصیه  
 دارد و یادآوری نعمتهای الهی نقش  
 مهمی را می تواند ایفا کند.

در این باره، موسی بن عمران علیه السلام  
 و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تذکراتی دارند که  
 یادآور می شویم:

۱. ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا  
 نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيبَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ  
 جَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾<sup>۴</sup> «و [یاد آور] زمانی را که  
 موسی علیه السلام به قوم خود گفت: نعمتهای  
 خدا بر خود را به یاد آورید که در میان  
 شما پیامبرانی برانگیخت و شماها را  
 پادشاهان [زمین] قرار داد!»  
 نظیر این مضمون در سوره‌های  
 ابراهیم، آیه ۲ و بقره، آیه ۴۰ وارد شده  
 است.

۲. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از جاتب خدا  
 مأمور می شود تا برای تثبیت ایمان

۱. اعراف / ۶۹.

۲. شعراء / ۱۳۲-۱۳۴.

۳. اعراف / ۷۴.

۴. مائده / ۲۰.

صدقات خود را با منت گذاردن و اذیت کردن باطل نسازید.»

### ۹. یادآوری سرگذشت نبهکاران

اگر بیمهای اخروی، مایه بیداری گنهکاران می‌شود، یسآدآوری سرگذشت گنهکاران در این جهان که بر اثر نافرمانی گرفتار قهر الهی شده‌اند نیز موجب هدایت و بازگشت به معنویت می‌گردد. یکی از اهداف بزرگ قرآن در بیان قصه‌ها و سرگذشتها، عبرت‌گیری و پندآموزی است تا همه افراد متوجه باشند که سرنوشت هوا و هوس، و طغیان و تجاوز در همه جا یکی است و این مسئله، در قرآن آیاتی را به خود اختصاص داده است و در اینجا به عنوان نمونه برخی را یادآور می‌شویم:

۱. شعيب عليه السلام به قوم خود چنین می‌گوید: «وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِثْلُكُمْ بَلْعَبِدٍ»<sup>۱</sup> «ای قوم! مخالفت شما با من سبب نشود که

پاران خود، نعمتهای الهی را یادآور شود؛ چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْتُطُوا إِلَيْكُمْ أُنْدِيَهُمْ فَكَفَّ أُنْدِيَهُمْ عَنْكُمْ»؛<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به یاد آورید نعمتهای خدا بر خودتان را، آن گاه که گروهی دست تعدی به سوی شما دراز کردند و خدا دست آنان را از شما کوتاه ساخت!»

نظیر این مضمون در سوره مائده، آیه ۷ هم آمده است.

باید توجه داشت که یادآوری نعمت و عطایی که به دیگری ارزانی می‌شود، تنها در یک صورت می‌تواند با منت همراه باشد و آن یادآوری نعمتهای خداوند است، ولی در مورد کارهای نیک که برخی از افراد برای دیگران انجام می‌دهند، منت نهادن نه تنها پسندیده نیست، بلکه مذموم و ناپسند است و لذا پیامبران همه نعمتها را به خدا نسبت می‌دادند، نه به خود، و قرآن از به رخ کشیدن نعمتها که موجب اذیت باشد، این چنین نهی کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»؛<sup>۳</sup> «ای مؤمنان! اجر و ثواب

۱. همان، ۱۱.

۲. بقره / ۲۶۴.

۳. هود / ۸۹.

بیداری گروهی می‌گردد، یادآوری روزگار خوش اقوامی که بر اثر طاعت، زندگی سعادت‌مندانه داشتند نیز موجب گرایش انسانها به سوی هدایت و اطاعت خواهد بود و آیه ذیل گویای این مطلب نیز هست:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾<sup>۱</sup>  
 «ما موسی علیه السلام را با دلایل روشن خود برانگیختیم [و به او گفتیم]: قوم خود را از تاریکیها به روشنی وارد ساز و روزهای خدا (اعم از نعمت و نعمت) را یادآوریشان کن. در این یادآوری برای افراد بردبار و سپاسگزار نشانه‌های هدایت است.»<sup>۲</sup>

#### ۱۰. دعوت به آیین واحد

عنصر وحدت و یگانگی در منطق پیامبران برای خود جلوه‌های فراوانی

۱. انعام / ۱۱.

۲. نحل / ۳۶.

۳. ابراهیم / ۵.

۴. ایام الله روزهایی است که به نوعی بیانگر حوادثی است که مظاهر صفات جمال و جلال الهی می‌باشد و قهر یا رحمت خدا را به روشنی نشان می‌دهد.

به عذابی مانند عذاب قوم نوح و هود و صالح علیهم السلام گرفتار شوید! و سرگذشت قوم لوط علیهم السلام از شما دور نیست.»

۲. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از جانب ۱۱۰ مأمور شد که به مردم بگوید: اندکی در زندگی اقوام گذشته بیندیشید و سرانجام زندگی تکذیب کنندگان پیامبران را از نزدیک ببینید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظروا كيف كان عاقبة المكدبين﴾<sup>۱</sup>

و به همین مضمون است آیه ۶۹ سوره نمل.

گاهی قرآن به صورت عمومی دستور بررسی زندگانی ملت‌های گذشته را داده و فرموده است: ﴿فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظروا كيف كان عاقبة المكدبين﴾<sup>۲</sup>  
 «در زمین سیر کنید و سرانجام تکذیب کنندگان را بنگرید!»

این نوع تبلیغ آن گاه مؤثرتر خواهد بود که افراد مورد تبلیغ از نظر نوع گناه، شبیه گذشتگان باشند که طبعاً از نظر کیفر، سرنوشت مشابهی خواهند داشت.

گفتنی است همین طور که یادآوری سرگذشت تبهاران، مایه

الهه، انحراف از فطرت است. قرآن پس از آنکه یادآور می‌شود که آیین توحید، آیین فطرت است، گروهی را که از آن جدا شده‌اند، توییح کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ جُزْءٍ مِمَّا لَدَيْهِمْ فَرِحُونُ﴾<sup>۴</sup> «از مشرکان مباشید! آنان که در دین خود متفرق و دسته دسته شدند و هر دسته به آنچه نزد او بود، خشنود گردید.»

۲. جلوه دیگر از دعوت پیامبران به وحدت و یگانگی، این بود که همگی به تبلیغ یک آیین مبعوث شده‌اند و همگی به یک دین به نام «اسلام» دعوت کرده‌اند و اگر تفاوتی هست، تفاوت در شریعتها و به اصطلاح در آبشخورهاست و گرنه فیض جاری در مجاری وحی به سوی بندگان، از نظر واقعیت یکی است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

دارد که می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

۱. تمام پیامبران برای بسط کلمه توحید برانگیخته شده و قرآن به این حقیقت تصریح کرده، می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾؛<sup>۱</sup> «در میان هر ملتی پیامبری برانگیختیم [تا به آنان بگویند]: خدا را پرستید و از پرستش بتها (غیر خدا) بپرهیزید!»

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ﴾؛<sup>۲</sup> «از پیامبران پیشین پرس: آیا جز خدای رحمان، خدایان دیگری قرار داده بودیم که عبادت شوند؟»

منطق پیامبرانی مانند: نوح، هود، صالح و شعیب علیهم السلام همگی این بود که ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾؛<sup>۳</sup> «ای قوم من! خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست.»

دعوت به خدای یگانه، یکی از جلوه‌های توحید در آیین همه پیامبران است و از برخی آیات استفاده می‌شود که گرایش به خدای یگانه، آیین فطری است و شرک و گرایش به کثرت در

۱. نحل / ۳۶.

۲. زخرف / ۴۵.

۳. اعراف / ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵.

۴. روم / ۳۱-۳۲.

الْإِسْلَامُ»؛<sup>۱</sup> «همانا دین در نزد خدا اسلام است.»

۳. یکی دیگر از مظاهر وحدت در دعوت‌های انبیاء این بوده است که هر یک از آنان مردم را به ایمان نسبت به پیامبران دیگر دعوت کرده‌اند، تا همه امتها به استواری تمام شرایع ایمان بیاورند؛ چنان که می‌فرماید: «لَا تُفْرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛<sup>۲</sup> «میان هیچ یک از پیامبران فرق نمی‌گذاریم و ما در برابر او (خدا) تسلیم هستیم.»

اینها یک رشته جلوه‌های توحید است که در منطق پیامبران دیده می‌شود. در کنار این جلوه‌های وحدت، مسئله توحید در کلمه است که پیروان خود را به آن سفارش می‌کرده‌اند. به خاطر اهمیتی که این موضوع دارد، آن را مستقلاً مورد بحث قرار می‌دهیم:

#### ۱۱. وحدت و یگانگی امت

جای شک نیست که آبهای ضعیف و باریک، کارساز نیستند، ولی آن‌گاه که در نقطه‌ای گرد آمدند، نیروی عظیمی را تشکیل می‌دهند. نیروهای انسانی در یک جامعه نیز همین حکم

را دارند و به همین جهت، تمام داعیان و مصلحان جهان، طرفدار وحدت کلمه بوده، پیوسته از تفرقه افکنی نکوهش می‌کردند. این مطلب در منطق تمام پیامبران به نوعی جلوه‌گر است. از باب نمونه می‌توان برخورد هارون علیه السلام با قوم خود را یادآور شد. آن‌گاه که در غیاب موسی علیه السلام گروهی از جاده توحید منحرف شدند و راه شرک را در پیش گرفتند، او با اینکه به شدت ناراحت بود، اما با این مسئله برخورد بسیار ملایمی داشت و حفظ وحدت کلمه و پرهیز از ظهور خلاف و شقاق را بر اعمال خشونت در برابر منحرفان ترجیح داد تا موسی بن عمران علیه السلام از میقات باز گردد و به هر نحو که مصلحت دانست، اقدام کند.

وقتی موسی علیه السلام به وی اعتراض کرد که چرا آنان را از این کار زشت به شدت باز نداشتی؟ در پاسخ چنین گفت: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَمْ تَرَاقِبُ قَوْلِي»؛<sup>۳</sup> «از آن

۱. آل عمران / ۱۹.

۲. همان / ۸۴.

۳. طه / ۹۴.

ترسیدم که به من بگویی: چرا در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و مراقب سفارش من نشدی؟»

اما دعوت به وحدت در زندگی پیامبر اسلام ﷺ جلوه خاصی دارد و رسول گرامی ﷺ در این راه گامهایی برداشت که یادآور می‌شویم:

نخست میان اوس و خزرج تفاهم و دوستی ایجاد کرد. آن گاه میان مهاجران و انصار پیمان اخوت و برادری بست. سپس وحی الهی به این هم اکتفا نکرد و همه جامعه با ایمان را برادر خواند و فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۱</sup> «مؤمنان برادر یکدیگرند.»

آن گاه به عنوان یک برنامه کلی به جامعه با ایمان چنین خطاب کرد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»<sup>۲</sup> «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و از هم جدا نشوید و نعمتهای خدا را در حق خود به یاد آورید! آن گاه که دشمنان یکدیگر بودید، قلبهای شما را به هم الفت داد و

در پرتو نعمت خدا برادر یکدیگر شدید و بر لب گودال آتش بودید که شما را از آن نجات داد. خدا آیات خود را چنین بیان می‌کند تا هدایت شوید.»

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> «و مثل آنان نباشید که گروه گروه شدند و پس از آمدن دلایل روشن، راه اختلاف در پیش گرفتند و برای آنها عذاب بزرگی است.»

چه خطابی لذیذتر و شیرین‌تر و جهانی‌تر از این خطاب قرآن که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»<sup>۴</sup> «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید!» گویی همه انسانها بدون گرایش به آیین وحی در چاه ضلالت و گمراهی هستند و آیین خدا ریسمانی است که اگر بر آن دست زنند، از چاه ضلالت بیرون می‌آیند. به گفته سنایی:

از چاه شور این جهان، بر حبل قرآن زن تو دست  
کای یوسف، آخر بهر توست این حبل در چاه آمده

۱. حجرات / ۱۰.

۲. آل عمران / ۱۰۳.

۳. همان / ۱۰۵.

۴. همان / ۱۰۳.

## همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و از هم جدا نشوید و نعمتهای خدا را در حق خود به یاد آورید

آن گاه برای زدودن اندیشه تلخ گروه‌گرایی از مغز آنان، در همان لحظه که نیمروز گرمی بود، فرمان حرکت داد. پس از طی یک مسافت طولانی که کاملاً بی سابقه بود، فرمان فرود صادر شد و از فرط خستگی، همه را خواب ربود؛ به گونه‌ای که پس از بیداری، از آن حادثه تلخ، چیزی جز به صورت کم‌رنگ در خاطره‌ها وجود نداشت و پیامبر با این تدبیر بار دیگر وحدت اسلامی را تحکیم کرد.<sup>۲</sup>

۲. جوانان اوس و خزرج در پرتو آیین وحدت بخش اسلام، پس از جنگ و نزاعهای طولانی، دست وحدت و برادری به یکدیگر داده بودند و در کمال صفا و دوستی زندگی می‌کردند. روزی در بیرون مسجد

قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذمَبَ بَیْحُکُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛<sup>۱</sup> «خدا و رسول او را اطاعت کنید و با هم نزاع و جدال نکنید که در نتیجه ضعیف می‌شوید و نفوذ کلام و قدرت شما از دست می‌رود و پایداری کنید که خدا صابران را دوست دارد.»

با توجه به اهمیت وحدت و اخوت، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عنایت عجیبی به وحدت نشان داده که یادآوری نمونه‌هایی از آن، سازنده خواهد بود. اینک نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم:

۱. در جنگ با قبیله «بنی المصطلق» پس از پیروزی مسلمانان بر مشرکان، میان دو نفر از مهاجر و انصار درگیری لفظی رخ داد. این دو نفر به شیوه عصر جاهلی، قبیله خود را به کمک خویش طلبیدند. ندای تفرقه افکنی آنان، آن هم در سرزمین دشمن شکست خورده، به گوش پیامبر رسید و فوق العاده او را متأثر ساخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به این ندهای خبیثانه اعتنا نکنید! اینها شعار جاهلی است.»

۱. انفال / ۴۶.

۲. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۰۳.



را گسست و شما را از کفر نجات داد و دل‌هایتان را به هم نزدیک ساخت.»

این نه تنها پیامبر بزرگ اسلام ﷺ بود که در راه وحدت، گام‌های بلندی برداشت و با کوشش بی‌دریغ، عوامل تفرقه را در هم شکست، بلکه پس از او، وصی و جانشین آن حضرت، علی علیه السلام نیز تمام همت و تلاش خود را در این راه به کار برد و درست در همین راستا بود که سکوت تلخ ۲۵ ساله را برگزید تا وحدت جامعه اسلامی را حفظ کند؛ چنان که فرمود:

«سَأْضِیْرُ مَا لَمْ أَخْفَ عَلَی جَمَاعَتِكُمْ؛<sup>۱</sup> تا زمانی که بر جماعت شما نترسم (و حفظ وحدت ایجاب کند)، صبر خواهم کرد.»

آن حضرت در خطبه‌ای جامع، تاریخ امتهای پیشین را یادآور شده و عوامل پیروزی و شکست آنها را گوشزد کرده و از آن جمله از وحدت به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل

پیامبر دور هم حلقه زده بودند و گل می‌گفتند و گل می‌شنیدند. یکی از سران یهود ساکن مدینه به نام «شاس» از دیدن این منظره سخت ناراحت شد و یک جوان یهودی را تحریک کرد که وارد حلقه آنان شود و با تجدید خاطره‌های تلخ جنگهای دو قبیله در عصر جاهلیت، تخم نفاق در میان آنان بیفشاند. آن جوان یهودی نقش خود را به خوبی ایفا کرد؛ به طوری که در پایان همان جلسه، کار به مشاجره و نزاع کشید و جوانان هر دو گروه دست به قبضه شمشیر بردند و نزدیک بود که درگیری آغاز شود. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ماجرا آگاه شد، خود را به میان آنان رساند و با ندای بلند فرمود:

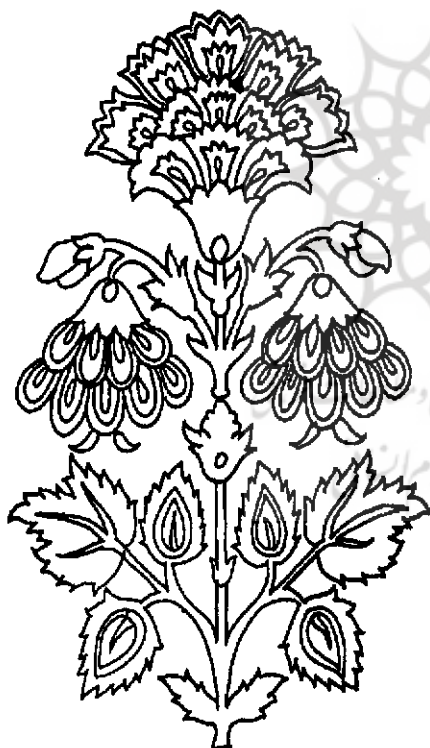
«اللَّهُ أَلَّهُ أَبَدْعَوَى الْجَاهِلِيَّةِ وَأَنَا بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ بَعْدَ أَنْ هَدَاكُمُ اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ وَأَكْرَمَكُمْ بِهِ وَقَطَعَ بِهِ عَنكُمْ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَنْقَذَكُمْ مِنَ الْكُفْرِ وَاللَّفِّ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛<sup>۱</sup>

شما را به خدا! شما را به خدا! آیا با اینکه من در میان شما هستم، ادعاهای جاهلیت را زنده می‌کنید! در حالی که خدا شما را به وسیله اسلام هدایت کرد و گرامی داشت و روابط عصر جاهلیت

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۶۹.

تشتت کلمه جایگزین وحدت شد و به گروههای مختلف و متخاصم پراکنده شدند، [در این حال] خداوند لباس کرامت را از تن آنان بیرون کرد و نعمتهای خود را از ایشان گرفت. و اینک سرگذشت آنان، مایه عبرت پندآموزان است»<sup>۱</sup>



۱. همان، خ ۱۹۲ (قاصعه).

**خدا و رسول او را اطاعت  
کنید و با هم نزاع و جدال  
نکنید که در نتیجه ضعیف  
می شوید و نفوذ کلام و  
قدرت شما از دست می رود  
و پایداری کنید که خدا  
صابران را دوست دارد**

پیروزی و از تفرقه به عنوان یکی از مهم ترین عوامل شکست یاد کرده است:

«در تاریخ گذشتگان بنگرید که چگونه بودند! آن گاه که افراد، متحد و خواسته ها هماهنگ و دلها معتدل و دستها پشتیبان یکدیگر و شمشیرها کمک کننده هم و دیده ها عمیق و تیز، و اراده ها استوار بود، آیا فرمانروایان زمین نبودند؟ ولی بنگرید که سرانجام کار آنان به کجا انجامید؛ آن گاه که